

رہبتم در موسیقی

حسن زنا بآف

www.ketab.ir

زندباف، حسن، ۱۳۱۹ - .

ریتم در موسیقی / حسن زندباف. - [ویراست ۲] تهران: روزنه،

۱۳۸۳.

۱۲۶ ص: مصور، نمودار.

ISBN: 978-964-334-211-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ دوم.

۱. موسیقی - - ریتم در وزن. الف. عنوان.

۷۸۱/۲۲۴

MT ۴۲ / ۹ ر ۹

۱۳۸۳



ریتم در موسیقی

حسن زندباف

طرح جلد: سید پارسا بهشتی شیراز

چاپ سوم: ۱۳۹۵

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: دفتر فنی دانشجو

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲، طبقه ۳

☎ تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ☎ شماره: ۰۲۴۳۵۹

ISBN: 978-964-334-211-1

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۲۱۱-۱

❁ تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ❁

فهرست مندرجات

۹	آغار سخن
۱۲	ریتم
۱۳	ریتم موسیقی
۱۵	اعداد کسری
۱۶	خطوط میزان (ریتم)
۱۷	زمان بندی ریتم
۱۸	ارزش زمانی نتها
۱۹	پایه و اساس ریتم
۲۰	طرز کار ریتم
۲۰	مترونوم - زمان سنج
۲۱	سریع و آهسته شدن ریتم
۲۲	حرکت صعودی و نزولی در ریتم
۲۳	آکسنت (یا آکسان) در ریتم
۲۴	واحد قافیه - پایه ریتم
۲۵	ساختن واحد زمان در موسیقی
۲۷	ارزش زمانی سکوت ها

۲۸	سینکوپ (یا سنکوپ).....
۲۹	آزادیهای ریتم.....
۲۹	فرماتو کادنس.....
۳۰	آرایشها.....
۳۱	تریوله (Triole).....
۳۱	نصویرهای بی قاعده.....
۳۲	تضیق ریتم.....
۳۳	نسبت تریوله ریتم.....
۳۵	نسبت مترونوم در نگارها.....
۳۸	تقسیمات تناسب ریتم.....
۴۴	نقطه های تمديد.....
۴۶	فراگیری ایزو ریتمیک (Isorhythmik).....
۵۳	پیرامون ریتم و تنوع آن.....
۵۷	تمرین هایی برای ریتم های استیناتو.....
۵۸	نگاهی به شاخه های مختلف.....
۶۸	تاریخچه تکامل ریتم.....
۷۶	ارتباط رقص - موزیک - کلام.....
	ارزش مترونوم در تقسیم بندی میزان ها با مدت های متفاوت و
۸۱	متغیر.....
۸۴	فراگیری پلی ریتمیک (Polyrhythmic).....
۸۵	هماهنگی علامات موسیقی.....

فهرست مندرجات / ۷

۸۵	تکامل ریتم
۸۷	تضاد در ریتم
۹۲	پایه گذاری حرکت در کودک و زمینه سازی برای رشد و تکامل آن
۱۰۶	جاب جایی ریتم در سه ارزش زمانی
۱۰۸	تغییرات ریتم
۱۱۳	موزیک آرت ریتمیک (Arhythmik)
۱۱۷	نگارش زن با ارزشهای تمديد یافته
۱۲۱	سرعت انتشار در ریتم
۱۲۳	میکروفون و استریرسون

آغاز سخن

چگونه می‌توانم بر حسب‌های ناروا و بدآموزی‌هایی را که بیشتر بر اساس ناتوانی و خست‌های و بر مبنای تصورات خطا و احياناً از منشأ خودخواهی و خود برتر بینی ریشه می‌گیرد، از هنر اصیل و اندیشه‌های راستین جدا سازیم و از بیراهه بر راه راستش هدایت نماییم؟ آنچه را که امروزه در قالب دو، ر، می، فا و... در موسیقی عنوان کرده‌اند، «زهری» است که روح متعالی انسان را مسموم می‌کند و آدمی را به ورطه نیستی و فنا می‌کشاند و به ژرفای هلاکت و ابتذال روان می‌افکند. حال آن که ما از موسیقی تصور «تریاق» می‌بریم که درمان حقایق و روی شفاف‌بخش علت‌های مزمن، از خود بیگانگی‌ها، ناباوری‌ها، باورهای غلط و سرگستگی‌های انسانی است که با «نیش» کشندهٔ جامعهٔ رو به زوال و سراسر فساد «مسموم» شده است. راه را دور نمی‌کنم و تا فصل نقاشی غرب پیش نمی‌روم و از بزرگان موسیقی جهان استشهاد نمی‌نمایم و به جستجو می‌پردازم و آب را در کوزهٔ خویش می‌جویم؛ آنجا که به گفتهٔ «هگل» بزرگترین متفکر جهان یعنی «مولانا»، این پیر شوریده حال، می‌فرماید:

همچونی، زهری و تریاقی که دید

همچونی دمساز و مشتاقی که دید

نی حدیث راه پر خون می‌کند

قصه‌های عشق معجون می‌کند

در می‌یابیم که انسان می‌تواند در پرتو همین دو، ر، می «بوسعید» وارو
«مواری» گونه، راه عروج به مقام «معرفت» را بیپیماید و خویشتن را از
منجباب آردکی‌ها و فساد نجات بخشد و موسیقی را انگیزه تهذیب روح
خود گرداند.

اما، از موسیقی، این پدیده ارجمند که خدا آن را از قبل ایمان و معرفت
آفرید، دریغ می‌آید که آدمیان را آگاه و بیخردان ناباور از خدمت خدایش
بازگرفته و به خدمت شیطان دما داده‌اند به شیوه‌ای که اگر امروز، آن
«پیر بلخ» زنده می‌بود، از آن فقط به «مر» تعبیر می‌کرد و آن را بلای جان
جامعه و انسان می‌دانست.

چرا که امروز موسیقی را این نامردمان، این کار و خودکامگی خود
قرار داده‌اند و از آن «جاه و مقام» کسب می‌کنند و این سوداگران با آن
«ثروت و مکنت» می‌اندوزند و جامعه را به سوء «ستارط» سوق
می‌دهند و انسان را به دنیای فراموشی و از خود بیخبری می‌رسانند. و
این است «دگرگونی»های اساسی که موسیقی و موسیقیدانان تجارت
پیشه امروزی به انسان ارمغان داده‌اند، به انسانی که پیش از انسان هر
دوره‌ای نیازمند و درمانده است. اگر تالارهای پرزرق و برق را که
معمولاً بازار عرضه هنر و تاخت و تاز هنرمند شده‌است برای بیان و

ریتم در موسیقی / ۱۱

عرضه هنر لازم بدانیم، با درد و اندوه باید بگوئیم هنر «کیفیت» خود را در بست به «کمیت» های غیر ضروری سپرده است و ارزش و منزلت خود را در گرو «نور» و «دکور» و «حرکات» دوران کلاسیک اروپا نهاده و به تحمیل ناآگاهانِ روشنفکر نما رضا داده است.

با چنین رضع و حال، انسان ماشین زده اواخر قرن بیستم، انسانی که در چنگ تکنیک و صنعت، سخت گرفتار شده است، می تواند باور داشته باشد که موسیقی برای «آسمانی» دارد؟ می تواند بپذیرد که آنجا که همه چیز از کار می افتد، موسیقی، آغاز می گردد؟

امروزه بر ذمه هنرمان این درد است که با اثبات اصالت و رسالت موسیقی در حفظ تحکیم روابط علمی آن برآیند، «خدایی» و «آسمانی» بودن آن را نمایان گردانند و به درهم شکستن همه ضوابط پیخبران از موسیقی و فرو ریختن فرمول ها و فرمول های دکانداران سوداگر همت گمارند و راه را برای عرضه و بیان موسیقی درست هموار کنند تا همه بدانند که:

موسیقی چیست؟ و چگونه است؟ و کجاست؟

«ریتم» گوشه ای از حرکت علمی موسیقی است و فرم های از علم ریاضی برای محاسبه آن در نظر گرفته شده است. این نمونه چیزی را نیست که دستداران موسیقی تقدیم می کنم.

حسن زندباف